

پیش‌خواران

درنگی در مناسبات «انگلیس و سر عبدالبهاء»

فرقه‌ای که نشان بریتانیایی بر سینه دارا!

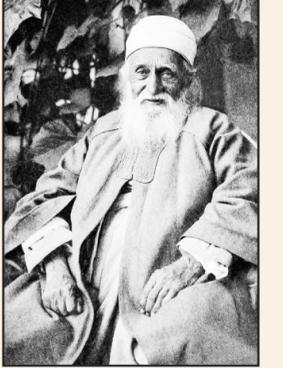
■ محمدرضا کاتبی



نیکان به انتشار آن همت گماشته‌است.ناشر در دیباچه خود براین پژوهش به بررسی اهمیت فرقه‌های استعماری می‌پرداخته و در بخشی از آن می‌نویسد: «شاید کمتر حرکت فرقه‌ای را بتوان طرف چندین سده گذشته سراغ داشت که به اندازه شیخیه، بابیه، ازلیه و بهائیه مریح‌دین و تحقیق و رد فرار گرفته‌باشد. میزان توجه و واکنش به این دست‌ از برساته‌های امپراتورهای مقتدر و فاسد عثمانی، روس تزار و انگلیس مکار به قدری گسترده بوده و هست که هر چه در این باره ارائه می‌شود، به نوبه خود تاریکی دارد و بعضاً با این سؤال همراه است، چرا اینکه در قبال چند مسلک سیاسی شبه دینی، حساسیت و واکنش نشان داده شده و چرا این جریان را ادامه می‌دهند؟ خود این پدیده که چرا این مسلک‌ها با واکنش‌های تند و ادامه‌دار مواجه شده، موضوع بسیار حساس و مهمی است که با مطالعه آثار مخالفان نقاد شیخیه، بابیه و بهائیه می‌توان آنها را فهمید و بدان پی برد. بخشی از مهم‌ترین نکات در این‌باره به قرار پی آمده‌است:

۱- نقش بیگانگانه عقیدتی و سیاسی در «کاشت، داشت و برداشت» از این تشکیلات دست ساخته عثمانی، روس تزار و انگلیس که البته امروز در خدمت امریکاست.

۲- ساختار شکنی عقیدتی و سیاسی به منظور بر خورد همه‌جانبه با مرجعیت مقتدر شیعه، در مقام نیابت عامه دوران غیبت، یعنی نهاد مشروع دینی در مواجعه



➤ عباس افندی، سرکرده فرقه بهائیت

با استعمار خارجی و استبداد داخلی.

۳- ساختار شکنی دینی که فرقه‌های مزبور با اعلام مقولاتی مانند: رکن رابع، مهدویت، نبوت، الوهیت دنبال کردند و با حمایت انگلیس و امریکا تقویت شد.

۴- بر خورد منحرفانه دست ساخت‌های استعمار سلطه‌جوی ضداسلام با مانی اعتقادی اسلامی.
۵- به انحراف کشاندن مسلمانان ناگاه یا فریب‌داندن ساده‌لوحان، برای عملی کردن اهداف شوم استعمار. آنچه بدان اشارت رقت از جمله دلالی است که وظیفه بر خورد با عوامل خارجی مذهب‌ساز و ایادی دست‌نشانده داخلی آن را در زمره فرائض ایمانی در می‌آورد. البته باید توجه داشت، ممکن است این فریضه ایمانی که باید به صورت‌های گوناگون انجام گیرد، به دلیل اعمال نظریات سلسلیه‌های از مسیر اصلی خود منحرف نشود و کچر، راهایی را در عملکرد مسلمانی به وجود می‌آورد که اثر آن در جوامع اسلامی کمتر از دست‌ساخته‌های شبه دینی و مخرب دیانت حقه نباشد. برای نمونه می‌توان وظایف دوران غیبت کبری را که بافضیلت افضل اعمال شیعتانانتظارالفرج تعریف شده‌است، با اعمال سلسلیه‌های ابداعی که بعضاً با قرآن و سنت سازش ندارد، نه فقط بی‌ارزش سازند، بلکه مدینه فاضله را به مدینه فاسده‌ای که خواست دشمنان قسم‌خورده اسلام خاصه تشیع است، تبدیل کنند. برای شناخت این خط‌انحرافی، باید تصمیم‌ها و شکل انجام وظایف دوران غیبت حضرت امام قائم (ع) را به آنچه معصوم(ع) تعیین فرموده‌است، ارائه دهیم تا بدنبینم آیا باید در مقابل مفاسد که دام و دانه استعمار خارجی است، سکوت کرد تا تعجیل در فرج شود یا باید بنا بر اصل امر به معروف و نهی‌ از منکر وظیفه مسلمانی را انطور که معین کرده‌اند، به انجام رساند؟ به هر روی نگارش آثاری از قبیل انگلیس و سرعبدالبهاء و روشنگری می‌کند و ماهیت واقعی دین‌سازان و ایادی آنان را برملا می‌سازد، از جمله وظایف مسلمانی دوران غیبت است. هر گونه مسامحه و کوتاهی، تقویت مسیرهایی است که استعمار برای تضعیف اسلام، خاصه تشیع تشخیص داده‌است و پی می‌گیرد.»

تاریخ



گذری بر تاریخچه عزاداری و پیاده‌روی اربعین حسینی از صدر اسلام تا سقوط صدام

فراز و فرودهای

رستاخیز هویت‌ساز اربعین

■ **دکتر یعقوب توکلی**

عظیم‌ترین تجمع و پیاده‌روی تاریخ، پیش‌روی ماست برای مردم و بویژه جوانان، شاید این پرسش

پیش‌آید که ریشه تاریخی این شور و نشور چیست و از کجا می‌آید؟ در مقال پی آمده دکتر یعقوب توکلی تاریخ پژوه اسلام ایران، به این پرسش پاسخ گفته است. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **اولین زائران اربعین حسینی**

در عصر عاشورای ۶۱ ه‍.ق، آنها که خبر خروج ناگهانی حسین‌بن‌علی(ع) را از مدینه به مکه و سپس حرکت او از مکه به سمت کوفه را شنیده بودند، در بهتی سنگین و جانکاه می‌سر می‌پرند، اما این حالت بسیار زود جلیه خود را به مویه‌های دلخراش دادا چه آنکه روزی به ناگاه از اخبار غیبی پیامبر(ص) به‌اسلم، خبر شهادت امامحسین(ع) در کربلا را شنیدند و گرد خانه همسر پیامبر جمع شدند. جابر بن عبدالله انصاری صحابی سالخورده پیامبر به تب و تاب افتاد که به زیارت مشهد و مقابل سید شیباب اهل‌الجنه برود.

ما دقیقاً زمان حرکت جابر را نمی‌دانیم، اما آنچه مشهور است، جابر با وجود نابینایی یا کمبینایی به همراه عطلیه کوفی، مسیر طولانی ۱۲۰۰ کیلومتری مدینه تا کربلا را طی کرد و پس از رسیدن به کربلا در فرات غسل کرد و در برابر قبر امام حسین(ع) به زیارت ایستاد و در فرات و او اشک ریخت و ناله کرد و یاد امام(ع) را گرمی داشت. هنگامی که امام را مخاطب قرار داد و از صدایی شنید، گفت: «چگونه تو را جواب دهم، در حالی که بین سر و بدن جابربن عبدالله انصاری و عطلیه کوفی، اولین مسافربن زیارت حرم حسینی(ع) نبودند، زیرا پیش از آن حسن مثنی^(۱) در جریان حرکت به سمت کوفه نیز مانند دیگر جوانان بنی‌هاشم در جنگ با شامیان شرکت جست، ضربتی هولناک خورد و تصور می‌شد که به شهادت رسیده است، اما زمانی که اشقیای دشت کربلا به قصد جنایتی افرون برای سر بریدن فرزندان علی(ع) و فاطمه(س) مشغول بودند، متوجه شدند حسن مثنی زنده است، چون اسما خارج چه یکی از فرماندهان سپاه کوفه در این صحنه حاضر بود. به دلیل نسب فامیلی حسن مثنی از ناحیه مادرش به قبیله اسما خارج، او با سر بریدن وی مخالفت کرد و کار به درگیری کشید. نهایتاً با داوری عمر بن سعد بن نفع اسما حاضران، با این استدلال که جنگ تمام شده و اسما خدمات زیادی به ما کرده‌است، این مجروح را به او بخشیدند و اسما خارج، حسن مثنی را بار شتر کرد و به کوفه آورد و به مداوای وی پرداخت. به همین خاطر او توانست اعمال نفوذ دیگری انجام دهد و فاطمه بنت‌الحسین(ع) همسر او را از جمع اسرا خارج کند و وی به بهانه پرستاری از حسن از ادامه اسارت نجات یابد و به درمان حسن کمک کند. حسن مثنی از معدود فرزندان به‌جا مانده امامحسین(ع) که به‌شدت مورد علاقه امام حسین(ع) بود و به همراه فاطمه بنت‌الحسین همسرش، جزو اولین کسانی بودند که پس از درمان به کربلا رفتند و به زیارت قبر امام(ع) پرداختند. بلاشک در این میانه، علاوه بر اهالی قبیله بنی‌السد^(۲)، قبیله حبیب‌بن مظاهر^(۳) نیز توسط حبیب برای کمک امام(ع) دعوت شده بودند، ولی به دلیل حمله جداگانه دشمن در راه ماندند و به کربلا نرسیدند و شهدایی را نیز تقدیم کردند.



➤ **۴۰ نفری از اهل بیت اربعین حسینی**

ارتش بعثی و سازمان اطلاعاتی آن، شیعیان را در مسیر مراسم اربعین شناسایی و سرکوب می‌کردند. تقریباً در دوره ۳۰ ساله حکومت صدام، مراسم راهپیمایی اربعین به‌طور رسمی برگزار نشد و اگر شیعیانی نیز به این کار اقدام می‌کردند، از راه‌های مخفی، خارج از دید و از روستاها و نخلستان‌ها به سمت کربلا حرکت می‌کردند.

قتل عام‌های صدام از شیعیان، اعمال اربعین‌ساز را، در حداقل ظهور و با خشونت حداکثری تحمیل نمود

اموی^(۴)، منصور دوانیقی^(۵) و متوکل عباسی^(۶) از جمله حاکمائی بودند که مکرر با عزاداری سیدالشهدا(ع) به ستیز برخاستند و افراد بسیاری را نیز در این راه به شهادت رساندند.
سختگیری حاکمان علیه عزاداران شیعیان، تبدیل به نقطه تقابل علیه تشیع شد و وجدان عمومی شیعی، به ایستادن در برابر این اراده خطرناک ضد عاشورایی شکل گرفت و در این میانه زیارت اربعین و حرکت عمومی شیعیان برای اجتماع بر سر قبر آن حضرت، معنای جداگانه‌ای پیدا کرد و تبدیل به نشانه ویژه جامعه شیعه شد.

پیامد این جریان و استمرار آن در اواسط قرن سوم هجری قمری، حدود ۲۰۰ سال بعد از شهادت امامحسین(ع) است که زیارت اربعین جزء خصوصیات ویژه شیعیان اعلام شده‌است. امام حسن عسکری(ع) زیارت اربعین را جزء، خصوصیات و ویژگی‌های مؤمن (شیعه) اعلام می‌کند و قیل از آن در نیمه اول قرن دوم هجری قمری، از امام جعفر صادق(ع) زیارت مثنی اربعین را برای حضرت سیدالشهدا(ع) انشای می‌فرمایند که خود عامل اصلی در ایجاد این جریان و فرهنگسازی برای استمرار نهضت عاشورا است. بررسی تاریخ حیات ائمه(ع)، به خوبی حکایت از محدودیت‌های شدید بر ضد عزاداری برای حضرت سیدالشهدا(ع) دارد. تاریخ زندگی امام سجاد(ع)، امام محمدباقر(ع) و امام جعفر صادق(ع)، سرشار از این محدودیت‌های فراوان است. نحوه مشغول‌گوشی و مصیبت‌خوانی سیدحمری در محضر امام‌صادق(ع)، به‌خوبی حکایت از محدودیت‌های حکومتی برای اقامه عزای سیدالشهدا(ع) دارد. این قولویه در کتاب «کامل‌الزیارات»^(۷) (ترجمه ذهنی صفحه ۲۵۹) مواردی از محدودیت‌ها و نگهدانی‌ها بر سر قبر سیدالشهدا(ع) در کربلا، در زمان امام‌صادق(ع) را بیان کرده‌است حتی قبر حضرت امیرالمؤمنین(ع) هم ۱۲۰ سال بعد از شهادت ایشان و در زمان هارون‌الرشید کشف و اعلام شد.

■ **در اسناد و آداب زیارت انشاء شده اربعین، از سوز امام‌صادق(ع)**

زیارت اربعین، زیارتی است که منقول از امام‌صادق(ع) است و شیخ مفید در کتاب «مزار» زیارت‌های ائمه(ع) در اعمال اربعین را به صورت مرسل و بدون سند آورده است. همچنانکه شهید ثانی در کتاب «مزار» خود نیز آن مرسل آورده‌است، اما شیخ طوسی در کتاب «تهذیب الاصول» آن را با بسلسله مستعبر ذکر کرده‌است. همچنانکه سیدبن طاووس در کتاب «قبال» نیز روایت زیارت اربعین را از امام‌صادق(ع) مستند نقل می‌کند.

از نکات ویژه زیارت آن است که آن را به هنگام روز و بالاآمدن جاشمت بخوانند، زیرا به نظر می‌رسد ادبیات زیارت اربعین نسبت به زیارت عاشورا یا زیارت وارث، طعن کمتری دارد. به عبارتی زیارت عاشورا از زبان امام‌باقر(ع) صادر شده که خود از شاهدان و اسرای کربلا بود و به دلایل وجود تضمینات جاثران اموی حاکم، بیشتر می‌توان آن را زبان خلوت شیعه دانست و بیشتر بر هدایت و راهنمایی عامه مسلمانان بر درک جنایت و ظلم واقع شده بر امام حسین(ع) در کربلا و تجمع قلوب همه مسلمانان حول عاشورا و تجزیه و تحلیل نفاق و کفر تأکید دارد، اما زبان زیارت عاشورا، کاملاً واضح و حاوی درد و داغ ناشی از زمان شهادت است و هنوز در فضای شمشیرهای آخته و داغ و درفش‌های جداگخته استا هنوز بوی خون در حال چکیدن از شمشیر دشمن به مشام می‌رسد و صدای شلاق‌ها و قطعه قطعه شدن گوشت‌ها به گوش می‌رسد. بنابراین زیارت عاشورا به مراتب سوزناک‌تر و غمبارتر و در مقابل صریح‌تر و آشکارتر از سایر لحن تبلیغ‌تر است. این زیارت در

درد

ملک فیصل و نوری سعید پاشا در عراق، ظاهراً با شعائر دینی مخالفت نداشتند و پس از کودتای عبدالکریم قاسم^(۸)، او هم چندان فرصتی برای ایجاد محدودیت‌های دینی نیافت. هر چند در مخالفت با بزرگداشت امام علی(ع) در نجف سخنرانی کرد و بعد از آن سخنرانی، در جریان سفری هوایی سقوط کرد و در آتش هواپیما سوخت. به خاطر همین مردم نجف از خوشحالی کف می‌زدند که «صدف لحم و نزل فحم»، یعنی گوشت پرواز کرد و زغالی به زمین افتاد!
■ حاکمیت صدام و ممنوعیت برگزاری اربعین

با کودتای بعثی‌ها در عراق و ضدیت آنها با اسلام و اعلام فتوای آیت‌الله‌العظمی حکیم مینی بر خروج این طایفه از اسلام، سختگیری‌های حکومت بعثی بر شیعیان تشدید شد. سیاست سرکوب و آدم‌کشی حکومت بعثی همراه با گرایش‌های تند ناسیونالیسم عربی و به ضمیمه سیاست تجاوز سرزمینی و گسترش ارضی، عراق را به سمت فضای شدیداً امنیتی سوق داد. صدام به بهانه‌های مختلف کسانی را که تصور می‌کرد با او هماهنگ نیستند یا مخالف او هستند، سر به نیست و از هر رویه‌ای برای سرکوب استفاده می‌کرد، وجود جمع زیادی ایرانی بیشتر دامن می‌زد، زیرا دولت عراق – که در دست حزب بعث و صدام بود – بر حسب عرف و سنت بجا مانده از سلاطین عثمانی در مناطق مرزی ایران که سیاست مداوم تجاوز ارضی را در پیش گرفته بودند، این سیاست را دنبال کردند. بنابراین ایرانی‌ها و به تبع آن شیعیان، در این میانه گرفتار شرایط سخت‌تری شدند.

آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، این شرایط را سخت‌تر کرد و ایرانی‌های مقیم عراق اخراج شدند و الگوهای مختلف عزاداری شیعیان، مورد حمله دولت بعثی قرار گرفت. لذا مراسم اربعین در این دوره به صورت کم‌رقم و در حاشیه برگزار می‌شد و تجمع شیعیان در کربلا در هر اربعین، توسط صدام حسین به‌شدت منع شد و صدام شدیداً با آن سنتیزمی می‌کرد، ارتش حزب بعث و سازمان اطلاعاتی آن، شیعیان را در مسیر مراسم اربعین شناسایی و سرکوب می‌کردند. تقریباً در دوره ۳۰ساله حکومت صدام، مراسم راهپیمایی اربعین به‌طور رسمی برگزار نشد و اگر شیعیانی نیز به این کار اقدام می‌کردند، از راه‌های مخفی، خارج از دید و از روستاها و نخلستان‌ها به سمت کربلا حرکت می‌کردند، بدون آنکه نظاهری در این جهت داشته باشند. قتل عام‌های صدام از شیعیان، مخاطب‌آمیز بود این سنت را بیشتر و بیشتر کرد و انجام اعمال اربعین را، در حداقل ظهور و با خشونت حداکثری تحمیل کرد.

■ **سقوط صدام حسین، آغازی بر رستاخیز اربعین**

جنایت‌های صدام در منطقه خاورمیانه به اندازه‌ای شد که دیگر غرب و امریکا نتوانستند حضور او را در منطقه تحمل کنند و در جنگ دوم خلیج فارس، صدام حسین را سرنگون و زندانی کردند و نهایتاً توسط دادگاه‌های عراقی، از میان هزاران هزار جنایت صدام و ارتش بعثی و حزب بعث، تنها به خاطر جنایت و کشتار مردم روستنای دجله عراق به اعدام محکوم شد. با اعدام صدام و آرام‌تر شدن اوضاع عراق، جریان‌های مختلف ظهور و بروز مجدد یافتند. هر چند عراق همزمان با آن، به مشکل حضور خارجی‌ها و خطر «القاede فی بلاد‌الرافدین» و بعثی‌های تروریست و دهها بحران داخلی و خارجی مبتلا شد. با وجود حرکت عمومی شیعیان عراق، ایران، لبنان، کویت، عربستان، پاکستان، افغانستان، آذربایجان، ترکیه، مالزی، نیجریه، آفریقا، استرالیا، اروپا، امریکا… برای زیارت حضرت سیدالشهدا(ع)، موج جدیدی در جهان اسلام به وجود آمد. از سوی دیگر، پدیده‌های وهابی ظهور مسلحانه یافتند و همانند دوره پیدایش این نحله، به مراکز شیعی حمله‌ور شدند و حرم امامین عسکریین(ع) را در ساسمار متفجر کردند و عتبات عالیات را مکرر مورد هجوم قرار دادند. این‌بار شیعیان بیش از پیش همدگر را یافتند و حول وجود حضرت سیدالشهدا(ع) و عاشورا متحدتر شدند.

اکتون تریه ساللی است که با رفتن و اعدام صدام حسین، زیارت اربعین آشکار شده است. زیارتی که آرام‌رام، هویت جدید شیعه را در عراق و خاورمیانه و سپس جهان رقم می‌زند. هویتی که روح شیعه در آن تجلی پیدا می‌کند. این هویت بدون دخالت دولت‌ها و دست پنهان و پیدای آنها، بدون حضور شرکت‌های فراملیتی اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و به دور از هرگونه منفعت‌گرایی سیاسی و متفاوت است و در میان سخت‌ترین شرایط سیاسی و امنیتی، بزرگ‌ترین و فشرده‌ترین تجمع انسانی را گرد هم می‌آورد، در حالی که به شهادت رساندند.

سقوط دولت عثمانی، منتهی به ظهور دولت‌های جدیدی در خاورمیانه شد. دولت‌هایی که به لحاظ سلوک مذهبی، دچار آشفنگی‌های فکری مختلف بودند. نخست انگولفیل‌ها و از جنگ جهانی دوم ناسیونالیست‌های افراطی معارض

اسلام و اسلام‌گرایی به قدرت رسیدند، بنابراین در عراق ملک فیصل و نوری سعید پاشا^(۹)، در ظاهر با حوزه‌های دینی مخالفت نداشتند و پس از کودتای عبدالکریم قاسم^(۸)، او هم چندان فرصتی برای ایجاد محدودیت‌های دینی نیافت. هر چند در مخالفت با بزرگداشت امام علی(ع) در نجف سخنرانی کرد و بعد از آن سخنرانی، در جریان سفری هوایی سقوط کرد و در آتش هواپیما سوخت. به خاطر همین مردم نجف از خوشحالی کف می‌زدند که «صدف لحم و نزل فحم»، یعنی گوشت پرواز کرد و زغالی به زمین افتاد!

■ **حاکمیت صدام و ممنوعیت برگزاری اربعین**

با کودتای بعثی‌ها در عراق و ضدیت آنها با اسلام و اعلام فتوای آیت‌الله‌العظمی حکیم مینی بر خروج این طایفه از اسلام، سختگیری‌های حکومت بعثی بر شیعیان تشدید شد. سیاست سرکوب و آدم‌کشی حکومت بعثی همراه با گرایش‌های تند ناسیونالیسم عربی و به ضمیمه سیاست تجاوز سرزمینی و گسترش ارضی، عراق را به سمت فضای شدیداً امنیتی سوق داد. صدام به بهانه‌های مختلف کسانی را که تصور می‌کرد با او هماهنگ نیستند یا مخالف او هستند، سر به نیست و از هر رویه‌ای برای سرکوب استفاده می‌کرد، وجود جمع زیادی ایرانی بیشتر دامن می‌زد، زیرا دولت عراق – که در دست حزب بعث و صدام بود – بر حسب عرف و سنت بجا مانده از سلاطین عثمانی در مناطق مرزی ایران که سیاست مداوم تجاوز ارضی را در پیش گرفته بودند، این سیاست را دنبال کردند. بنابراین ایرانی‌ها و به تبع آن شیعیان، در این میانه گرفتار شرایط سخت‌تری شدند.

آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، این شرایط را سخت‌تر کرد و ایرانی‌های مقیم عراق اخراج شدند و الگوهای مختلف عزاداری شیعیان، مورد حمله دولت بعثی قرار گرفت. لذا مراسم اربعین در این دوره به صورت کم‌رقم و در حاشیه برگزار می‌شد و تجمع شیعیان در کربلا در هر اربعین، توسط صدام حسین به‌شدت منع شد و صدام شدیداً با آن سنتیزمی می‌کرد، ارتش حزب بعث و سازمان اطلاعاتی آن، شیعیان را در مسیر مراسم اربعین شناسایی و سرکوب می‌کردند. تقریباً در دوره ۳۰ساله حکومت صدام، مراسم راهپیمایی اربعین به‌طور رسمی برگزار نشد و اگر شیعیانی نیز به این کار اقدام می‌کردند، از راه‌های مخفی، خارج از دید و از روستاها و نخلستان‌ها به سمت کربلا حرکت می‌کردند، بدون آنکه نظاهری در این جهت داشته باشند. قتل عام‌های صدام از شیعیان، مخاطب‌آمیز بود این سنت را بیشتر و بیشتر کرد و انجام اعمال اربعین را، در حداقل ظهور و با خشونت حداکثری تحمیل کرد.

■ **سقوط صدام حسین، آغازی بر رستاخیز اربعین**

جنایت‌های صدام در منطقه خاورمیانه به اندازه‌ای شد که دیگر غرب و امریکا نتوانستند حضور او را در منطقه تحمل کنند و در جنگ دوم خلیج فارس، صدام حسین را سرنگون و زندانی کردند و نهایتاً توسط دادگاه‌های عراقی، از میان هزاران هزار جنایت صدام و ارتش بعثی و حزب بعث، تنها به خاطر جنایت و کشتار مردم روستنای دجله عراق به اعدام محکوم شد. با اعدام صدام و آرام‌تر شدن اوضاع عراق، جریان‌های مختلف ظهور و بروز مجدد یافتند. هر چند عراق همزمان با آن، به مشکل حضور خارجی‌ها و خطر «القاede فی بلاد‌الرافدین» و بعثی‌های تروریست و دهها بحران داخلی و خارجی مبتلا شد. با وجود حرکت عمومی شیعیان عراق، ایران، لبنان، کویت، عربستان، پاکستان، افغانستان، آذربایجان، ترکیه، مالزی، نیجریه، آفریقا، استرالیا، اروپا، امریکا… برای زیارت حضرت سیدالشهدا(ع)، موج جدیدی در جهان اسلام به وجود آمد. از سوی دیگر، پدیده‌های وهابی ظهور مسلحانه یافتند و همانند دوره پیدایش این نحله، به مراکز شیعی حمله‌ور شدند و حرم امامین عسکریین(ع) را در ساسمار متفجر کردند و عتبات عالیات را مکرر مورد هجوم قرار دادند. این‌بار شیعیان بیش از پیش همدگر را یافتند و حول وجود حضرت سیدالشهدا(ع) و عاشورا متحدتر شدند.

اکتون تریه ساللی است که با رفتن و اعدام صدام حسین، زیارت اربعین آشکار شده است. زیارتی که آرام‌رام، هویت جدید شیعه را در عراق و خاورمیانه و سپس جهان رقم می‌زند. هویتی که روح شیعه در آن تجلی پیدا می‌کند. این هویت بدون دخالت دولت‌ها و دست پنهان و پیدای آنها، بدون حضور شرکت‌های فراملیتی اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و به دور از هرگونه منفعت‌گرایی سیاسی و متفاوت است و در میان سخت‌ترین شرایط سیاسی و امنیتی، بزرگ‌ترین و فشرده‌ترین تجمع انسانی را گرد هم می‌آورد، در حالی که به شهادت رساندند.

سقوط دولت عثمانی، منتهی به ظهور دولت‌های جدیدی در خاورمیانه شد. دولت‌هایی که به لحاظ سلوک مذهبی، دچار آشفنگی‌های فکری مختلف بودند. نخست انگولفیل‌ها و از جنگ جهانی دوم ناسیونالیست‌های افراطی معارض